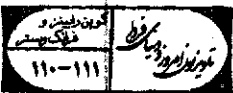


# تلویزیون امروز و دیامروز

کوین ریپینز و فرانک ویستر  
برگردان: علی علم‌مهابادی

• این ترجمه گزینشی است از کتاب  
اسطوره شناسی تلویزیون  
(Television: Mythologies)  
که توسط انتشارات راتلج  
(Routledge) در سالهای ۱۹۸۸ تا  
۱۹۹۲ به چاپ رسیده است. این کتاب  
توسط لن ماسترمان (Len  
Masterman) ویرایش گردیده است.

۱. نام برنامه ای علمی که در سال های  
میانه دهه هشتاد پخش می شد و به  
بررسی آینده علم و پیشرفت های  
تکنولوژیک می پرداخته است.



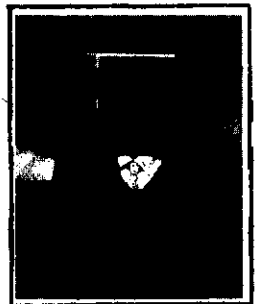
کشف آلودگی غذا، لقاح مصنوعی، وسیله‌ای مطمئن برای کسانی که از دکلهای بالا می‌روند، جایگزین ذغال‌سنگ و نفت، لوله‌های آبرسانی مسدود نشدنی، کارکردهای ویتامین E، راز موفقیت تکنولوژیک و صنعتی ژاپنی‌ها، مراقبت ویدیویی در شاهراه، کشف میوه قاجاق در کالیفرنیا — موز قاجاق —، ترکیب صداها، چاپگر جوهرافشان، واکنس آنفلوانزا و موسیقی رایانه‌ای صرفاً بخشی از موضوعات متنوعی هستند که در برنامه *دنیای آینده* پخش شد. قطعاتی از واقعیت به طور تصادفی، در تصویر موزاییکی آینده علمی و تکنولوژیک ما تلفیق شده‌اند. ترکیبی آشفته از موضوعات جدی، سطحی و غریب، همگی به صورتی ارائه شده‌اند که گویی به یک اندازه، ارزش توجه ما را دارند. برای آنکه این برنامه اطلاعات و اخبار مربوط به آینده پیش رو را به ما عرضه کند از هیچ کوششی مضایقه نمی‌شود. پس گروه *دنیای فردا* نگاهی اجمالی به دنیا می‌اندازد تا گزارش‌هایی درباره آخرین پیشرفت‌ها را ارائه دهند. — همراه با فیلم‌های خبری که این گزارش‌ها را تأیید می‌کنند و به آنها اصالت می‌بخشند. — از هیچ کوششی برای ایجاد جلوه‌های دراماتیک و افزایش جلب توجه بیننده مضایقه نمی‌شود. این گروه آماده‌اند تا به جای ما، پرواز، سقوط و صعود کنند و شیرجه بزنند.

در استودیو، اعضای گروه مسیری، چشم‌اندازی از نمودارهای پیچیده و ماکت‌های تأثیرگذار — تراشه‌ها، تخمدان‌ها، مغزها و مولکول‌ها — را می‌پیمایند. در تمام این مدت، آنان شیوه‌ای مسلط، فصیح و دوستانه را ادامه می‌دهند. نتیجه نهایی چیست؟ نخست بسیاری از موضوعاتی که مورد توجه قرار می‌گیرند، دارای نوعی سطحی‌گری خاص هستند؛ به گونه‌ای که سرگرمی بر اطلاع‌رسانی ارجحیت می‌یابد. فرض می‌شود که بیننده چندان باهوش نیست و شاید پس از یک

روز کاری، خسته شده و احتمالاً توجهی به دانش و تکنولوژی ندارد شاید او در انتظار تماشای برنامه برترین های موسیقی پاپ است. پس موضوعات باید به شیوه ای جذاب و سرگرم کننده ارائه شوند. آنان باید به صورت قرص های کوچکی از اطلاعات، به شیوه ای سریع، متوالی، آسان و لذت بخش، در هنگام مصرف عرضه شوند. قرار نیست هیچ تحلیل گری در کار باشد. تا جایی که بودجه اجازه می دهد، می کوشند در لوکیشن فیلم برداری کنند و تزئینات صوتی - بصری نیز فراوانند. برنامه تبدیل به یک نمایش می شود و علم و تکنولوژی به صورت صحنه های تماشایی - بصری، مضحک و شادی آور درمی آیند.

بررسی دنیای علم و تکنولوژی می تواند بسیار سرگرم کننده باشد. آیا دنیایی که در آن زندگی می کنیم، به هر صورت بامزه نیست؟ شاید حقیقت شگفت تر از داستان باشد. چه کسی می تواند به فکر ایجاد ارتباط میان دم درخشان یک سوسک شب تاب با کشف آلودگی در غذا بیفتد؟ همچنین نارگیل های عجیب برای استخراج طلا مورد استفاده قرار می گیرند! یک نرده ضد کانگورو در اراضی استرالیا؟! کاغذ ضد آب؟! چقدر شگفت انگیز است! دنیای آینده می خواهد بیننده را مجذوب کند، به شگفتی وادارد و حیرت زده کند. این برنامه ویرینی است که با ابداعات جدید و اسباب بازی های تکنولوژیک زیبا تزئین شده است؛ اما نتیجه این علاقه جالب برای پیشرفت های نوین تکنولوژیک، ارائه بینشی نسبت به آینده است که چیزی بیش از مجموعه ای گسترده، بند و بسیار فراوان از ابزارها و وسایل نیست؛ چیزی که به ما احساس اشباع شدگی، کاهش علاقه و حتی بی علاقه گی می دهد. این وضعیت درست مانند رویش حبوبات هرز، قابل تحمل نیست. تنها صدای ترق و توروق، بام بام و پرخاش از آن به گوش می رسد. پس از مدتی، در برابر هر نوع احساس شگفتی یا پیش بینی، واکسینه می شویم. در نتیجه، آینده به نحوی متناقض، خسته کننده و بی هیجان به نظر می رسد.

به هر روی، نکته مهم تر آن است که تمامی تصاویر و جنجالی که در ریپورتیجی - دنیای آینده - وجود دارد، جزئی از روشی است که درک ما را از دانش و تکنولوژی، در حاله ای از ابهام قرار می دهد. دنیای فردا چنان بخش عظیمی از محصولات تلویزیونی، در ایجاد اسطوره کارشناسی و دانش تباری می کند. برنامه از ما می خواهد که با حیرت، به چیزهایی بنگریم که دانشمندان از کلاه سیلندری شعبده بازی خود در می آورند. همچنین ما را فرا می خواند تسلیم شخصیتی شویم که جایگاه و قدرتش (بر اساس دانش) برعکس جایگاه بیننده (بر اساس بی دانشی) است. به هر روی، نکته مهم آن است که شخصیت دانشمند، به لحاظ فیزیکی، در برنامه غایب است. شاید احساس می شود که زبان ماندارین - زبان رسمی چینی - او برای بینندگان نوعی، در ساعات پر بیننده بیگانه است. شاید فرض می شود که وی جذابیتی ندارد. بنابراین، نفوذ و سیطره دانشمند و دانش تقویت می شود و دانشمندان به شخصیت هایی محترم و خداگونه بدل می شوند که



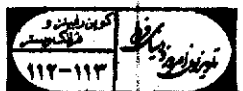
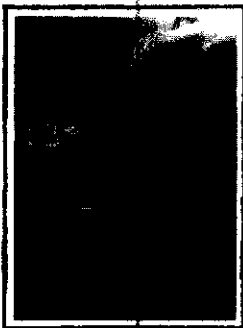
فراسوی جریان روزمره امور قرار دارند مهارت و دانش آنها از بررسی، تدقیق و ابهام‌زدایی در امان است. با آنان که جویندگان حقیقت و دانش هستند، به گونه‌ای محترمانه و مؤدبانه برخورد می‌شود. پس در زمینه بحران انرژی، پیش از آنکه نفت تمام شود، دانشمندان طبیعتاً به جست‌وجوی سوخت‌های جایگزین برمی‌آیند و به نظر می‌رسد که چیزهایی نیز در دست دارند البته میلیون‌ها سال طول کشید تا طبیعت بتواند نفت تولید کند؛ اما اگر چه شاید به نظر باورت‌کردنی برسد، دانشمندان اکنون روشی برای تسریع این روند یافته‌اند؛ پیوند سلول مغزی دانشمندان در این زمینه، تکنیکی را کامل کرده‌اند... برای آنان، هیچ چیز غیرممکن نیست.

در نبرد دایمی ما با دنیای طبیعی، آنان قهرمانان عقل و کنترل بر طبیعت هستند. خدمت‌رسانی به این شخصیت‌های برجسته و آسمانی، خود نوع دیگری از مهارت است که مجریان تلویزیونی با حالت دنیوی‌تر خویش، واسطه‌های دانش و ارتباط‌رسان‌های حرفه‌ای، از آن برخوردارند و زبان هیروگلیف دانش را به زبان محاوره‌ای ترجمه می‌کنند. مجری، متخصص کاربرد آسان است. او کارشناس روابط عمومی و نماینده فروش تشکیلات علمی، تکنولوژیک و صنعتی است. از دیدگاه وی، قابل درک‌ساختن موضوعات انتزاعی و پیچیده یا درآوردن علم و تکنولوژی به جامه‌ای دیگر، برای مصرف عمومی، وظیفه است.

مبهم جلوه‌دادن نقش کارشناس بخشی از مبهم جلوه‌دادن گستره علم و تکنولوژی، به طور کلی است. دنیای فردا، بیش از آنکه فعالیت‌های علمی و تکنولوژیک را آشکار سازد، صرفاً درک ما را از موضوعات واقعی، مبهم و آشفته می‌سازد. وقتی رولان بارت درباره اسطوره می‌گوید:

اسطوره به همه چیز خلوص می‌بخشد، آن را معصوم جلوه می‌دهد، توجیهی طبیعی و ابتدایی برای آن فراهم می‌آورد و تاریخ را به صورت طبیعت تغییر شکل می‌دهد. پس برای چنین طبیعت‌سازیهایی و خنثی‌سازی دانش و تکنولوژی، چه چیز می‌تواند قدرتمندتر و برظنین‌تر باشد؟

دنیای فردا به نوعی نسبت اسطوره‌شناختی نظر دارد، آن را اعاده می‌کند و در هر دو اردوگاه غرب و شرق وجود دارد؛ چنان‌که دانش را اساساً خارج از دنیای سیاست و ایدئولوژی قرار می‌دهد. در گفتمان دنیای فردا، علم و تکنولوژی راه علاج تمامی مسائل اجتماعی است. تکنولوژی همه چیز را ترمیم می‌کند و بهبود می‌بخشد. آیا بحران انرژی وجود دارد؟ پس دانشمندان برای تولید نفت مصنوعی، تکنیک‌هایی می‌یابند. هیچ گاه گفته نمی‌شود که چرا و چگونه منابع طبیعی در حال تلف‌شدن و کاهش هستند. هیچ ارجاعی به بحث‌های رایج در میان زیست‌شناسان نیست. آیا چک و کارت اعتباری‌تان سرقت می‌شود؟ دانشمندان می‌توانند این مسئله و پریشانی را با ابداع وسیله‌ای جدید برطرف سازند که امضای نامرئی ما را ثبت می‌کند. هیچ اشاره‌ای به وسوسه‌های بازار مصرف یا مسئله نابرابری‌های اجتماعی نمی‌شود. سیاست، به نفع مدیریت فرهنگی، به فراموشی سپرده می‌شود.



در برنامه‌دهی فردا، علم و تکنولوژی ذاتاً نیروهایی خنثی هستند می‌توان آنها را به نحوی خردمندانه یا ابلهانه، به کار گرفت؛ اما به خودی خود، از جنبه اجتماعی خنثی هستند. علم و تکنولوژی که در این برنامه، ناب و بی‌شایبه تصور می‌شوند، خارج و بالاتر از قلمرو اجتماعی قرار می‌گیرند. پس این اسطوره خنثی بودن قدرتمند و مؤکد است؛ چنان‌که کارشناسان الکترونیک وسیله‌ای جدید برای مرتبط ساختن دوربین‌های پیشرفته تلویزیونی با رایانه پردازشگر، برای مراقبت از ترافیک را صرفاً به منزله نقطه عطف و پیشرفت تکنیکی دیگری قلمداد می‌کنند. آیا مراقبت منظم از جاده‌ها و ترافیک به نفع کسانی نیست که خودروهای‌شان به سرعت رفته است؟ بار دیگر، هنگام استفاده از تکنیک‌های مراقبت، هیچ اشاره‌ای به نقش بازدارنده پلیس یا معانی ضمنی آزادی‌های مدنی نمی‌شود.

علم و تکنولوژی در آزمایشگاه، خارج از قلمرو اجتماعی تکامل می‌یابند. آنها استقلال، قدرت و اجتناب‌ناپذیری خاص خود را دارند. باید به این ویژگی‌ها خوب بگرییم و خود را با آنها تطبیق دهیم. دانش هیچ ارتباطی با انتخاب و تصمیم‌گیری اجتماعی ندارد. آنچه مفید است به طور عمده تأثیر علم بر جامعه است؛ - انکار که خود بخشی مکمل از جامعه نیست - که برنامه زیرساخت‌های زندگی اجتماعی را به ما ارائه می‌دهد؛ از نیروگاه‌های برق گرفته تا بازی‌های ویدئویی؛ از علم و تکنولوژی پزشکی گرفته تا ماهواره‌های مخابراتی و غیره. ما این را پیشرفت می‌نامیم. این وضعیت مسائلی را نیز در بر دارد؛ زیرا راهی که به سوی آینده می‌رود، کاملاً هموار نیست. پس موضوع پیوند سلول مغزی همچنان مسائلی اخلاقی پیش روی ما قرار می‌دهد که باید حل شود. به هر روی، حل این مسئله را می‌توان به دستان توانای کارشناسان دیگر - فیلسوفان و اخلاق‌گرایان حرفه‌ای، سپرد که در جست‌وجوی مسیرهای راهنما برای مهندسی ژنتیک هستند. (ولی در زمینه اخلاقیات مراقبت ویدیویی پلیس یا سلاح‌های اتمی چه می‌توان گفت؟)

دستاورد این اسطوره نیرومند - این علم‌گرایی - به نحوی مؤثر، درک ما از علم و تکنولوژی را از سیاست، تاریخ و جنبه‌های اجتماعی تهی ساخته است. هر نوع آگاهی از نیروهایی که تکنولوژی‌هایی را برای بیان ارزش‌ها و اولویت‌های کوتاه‌بینانه و خاص خود شکل می‌دهند، سرکوب می‌شود؛ شرکت‌های هسته‌ای، شرکت‌های داروسازی، علائق الکترونیک و هوا فضایی، پلیس و آژانس‌های نظامی از آن جمله‌اند. هیچ سخنی از شرکت‌های فراملیتی، سرمایه و سودجویی به میان نمی‌آید. هیچ شکلی از روابط قدرت نیست که در واقعیت، قلمرو خنثای علم و تکنولوژی را شکل می‌دهند و از آن برخوردار می‌شوند. هیچ گاه گفته نمی‌شود که تکنولوژی انسان‌ها را در کارخانه‌ها خرد می‌کند و به ویرانی و آلودگی محیط زیست می‌انجامد یا حتی ممکن است بقای نوع بشر را تهدید کند. به گفته بارت، در چهارچوب این قلمرو استدلالی، تمهیدی

انجام شده است؛ واقعیت در عمل وارونه شده از تاریخ تهی و با طبیعت پر شده است... مدت‌ها پیش از بارت، مارکس نیز دریافت که ایدئولوژی‌های واقعیت سرمایه‌داری تمایل دارند پویایی تاریخی اثبات سرمایه را به صورت قوانین مفروض طبیعت درآورند. نتیجه این می‌شود که اسطوره‌شناس به تاریخی اذعان می‌کند که وجود داشته؛ اما دیگر وجود ندارد. تاریخ و تحول به صورت زمان حالی ابدی در می‌آیند. دنیای آینده با ریطوریک‌های آینده‌نگرانه‌اش، همچنان در زمان حال ایستا و ابدی، منجمد شده است. این برنامه نه آینده‌ای واقعی، بلکه تلاوم حال را به ما نشان می‌دهد. آن‌گاه دنیای آینده مانند زمان حال خواهد بود و در آن، تنها عناصر کنونی تقویت و پررنگ‌تر خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی